

شنبه 17 دی 13 صفر 7 ژانویه

درگذشت نسایی(صاحب سنن کبیر)سال 303 هجری قمری ...

**درگذشت نسایی(صاحب سنن کبیر)سال 303 هجری قمری**

ابوعبدالرحمن، احمد بن شعيب بن علی و به روایتی احمد بن علی بن شعيب بن علی، معروف به نسایی، نویسنده کتاب "السنن الکبیر" یکی از منابع معتبر و معروف روایی اهل سنت، در سال 215 قمری در منطقه نساء (از مناطق خراسان بزرگ) دیده به جهان گشود.

در آغاز نوجوانی به دنبال تحصیل علم رفت. بدین منظور از روستای خود به بغلان(در طخارستان) در نزد قتیبة بن سعید بن جمیل(عالم معروف منطقه)رفت. پس از چندی به نیشابور، سپس به حجاز، مصر، عراق، جزیره(سرزمین‌های میان دجله و فرات)، شام و ثغور مهاجرت کرد. وی پس از مدتی گشت و گذار علمی و زیارتی، در محله قنادیل مصر، ساکن گردید.

نسایی پس از تلاش‌های فراوان علمی، به یکی از دانشمندان بزرگ عصر خویش تبدیل شد. درباره ویژگی‌های شخصی‌اش گفته شد: دارای چهار همسر، خوش‌خوراک و یک روز در میان روزه می‌گرفت و هر روز یک مرغ بریان تناول می‌کرد.

نسایی در رشته‌های حدیث، فقه، رجال و درایه، سرآمد روزگار خود بود. به طوری که برخی گفته‌اند: و کان أفتق مَشایخ مصر فی عصره، و أعلمهم بالحدیث و الرجال.

وی دارای تألیفات چندی است که برخی از آن‌ها، معروف و مشهور است. برخی از نوشته‌های وی عبارتند از: 1- السنن الکبیر(جامع روایی اهل سنت). 2- خصائص علی(ع) این کتاب که جزئی از سنن کبیر او است، درباره ویژگی‌ها و فضایل امام علی بن ابی طالب(ع) به رشته تحریر آورده است. نوشتن این کتاب برای وی سنگین تمام شد و در جوامع اهل سنت، به ویژه در میان نواصب و خوارج منطقه شام، به شیعه‌گری متهم شد و با وی در این باره برخورد نامناسب و ناروایی به عمل آوردند.

3- مسند علی(ع). 4- عمل یوم و لیلۃ. این کتاب در برخی از چاپ‌های سنن کبیر، جزیی از این کتاب به حساب می‌آید و گاهی به طور جداگانه چاپ و منتشر شده است. 5- التفسیر. درباره تفسیر قرآن کریم است. 6- فضائل الصحابة. 7- کتابی درباره کنیه‌ها.

درباره وی گفته شد: مدتی امارت شهر "حمص" (از توابع شام) را بر عهده داشت.

نسایی در اواخر عمر خود از مصر به شام مسافرت کرد. در آن هنگام به خاطر نوشتن کتاب خصائص علی(ع)، بسیار معروف شده بود. به همین جهت هنگامی که وارد شام شد، به تحریک بدخواهان و رشک‌ورزان، هر روز عده‌ای برای وی مزاحمت‌هایی به وجود می‌آوردند.

در این باره، تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان سخن‌های زیادی گفته‌اند. از جمله این که گفته شد: گروهی بر او خورده گرفته و وی را مورد اعتراض قرار دادند. چون او درباره امام علی بن ابی طالب(ع) کتاب "خصائص" را نوشت ولی درباره شیخین(ابوبکر و عمر) کتابی تألیف نکرده بود. وی در پاسخ منتقدان خود گفت: هنگامی که وارد دمشق شده بودم، در مردم انحراف‌های زیادی درباره حضرت علی(ع) مشاهده کردم. همین امر سبب گردید که کتابی درباره فضایل آن حضرت به عنوان "خصائص" تألیف کنم. تا شاید خداوند سبحان به وسیله آن، اهالی دمشق را هدایت کند.

نسایی پس از کتاب خصائص علی(ع)، کتابی با عنوان "فضایل صحابه" تألیف کرد.

در آن زمان به وی گفتند: چرا فضایل معاویه را در این کتاب، نقل نکردی؟

وی در پاسخ گفت: برای معاویه چه فضیلتی نقل کنم؟ من فضلی برای او نیافتم مگر این که پیامبر(ص) درباره او فرموده بود: **اللهم لاتشعب بطنه؛ خدایا هیچ‌گاه شکمش را سیر مگردان.**

پس از این گفت‌وگو، بدخواهان و بی‌خردان دمشق بر وی هجوم آورده و به صورت تحقیرآمیزی، شکنجه و آزارش دادند و وی را بیمار نمودند.

نسایبی از آن ماجرا، جان سالم به در نبرد و بر اثر همان آزارها، بدرود حیات گفت.

وی سفارش کرد که او را از دمشق خارج کرده و به رمله(در منطقه فلسطین)ببرند. به روایتی دیگر سفارش کرد که وی را به مکه معظمه، منتقل نمایند.

درباره تاریخ وفات، محل وفات و محل دفنش، اتفاقی در میان تاریخ‌نگاران نیست. برخی می‌گویند: وی در رمله، وفات یافت و در بیت‌المقدس دفن شد. برخی دیگر می‌گویند: وی در شام یا رمله وفات یافت و جسدش را به مکه منتقل کردند. برخی هم گفته‌اند: وی در حال بیماری از شام به مکه رفت و در مکه وفات یافت و میان صفا و مروه دفن شد. تاریخ وفات وی را برخی شعبان سال 302 قمری و برخی دیگر صفر سال 303 قمری دانسته‌اند.

اکثر مورخان، سیزده صفر سال 303 قمری را صحیح‌تر از موارد دیگر می‌دانند.

درگذشت «؛ ابن عاقولی» محدث و فقیه شافعی در سال 797 هجری قمری

«؛ ابن عاقولی» محدث و فقیه شافعی در سال 797 هجری قمری درگذشت. او در سال 733 هجری قمری در بغداد زاده شد و پس از گذراندن ایام کودکی تحصیل علوم معارف اسلامی را زیر نظر پدر آغاز کرد او پس از سالیان متمادی تحصیل، از علمای بزرگ زمانش شد و علاوه بر تدریس به طلاب دانش پژوه؛ دانشگاه عاقولوی و دارُ القرآن جمالیه را تأسیس کرد و بدین ترتیب مراکز برای تجمع طلاب علوم دینی فراهم شد.«؛ كُتِبَ الدِّرَايَةُ فِي مَعْرِفَةِ الزَّوَايَةِ وَ مِفْتَاحِ الرِّجَا فِي شَرْحِ المَصَابِيحِ الدُّجِي» از آثار ابن عاقولوی است.

اعدام میرزا عبدالحسین کرمانی معروف به میرزا آقاخان کرمانی در سال 1314 هجری قمری

میرزا عبدالحسین کرمانی معروف به میرزا آقاخان کرمانی در سال 1314 هجری قمری در حضور محمد علی میرزا به دار آویخته شد. او از رجال و ادیبان اواخر عهد ناصرالدین شاه قاجار بود که در سال 1270 قمری در بردسیر کرمان متولد شد. پس از فراگیری مقالات علوم و فلسفه در زادگاهش راهی تهران شد و در محضر علمای عصر دانش آموخت. میرزا آقاخان در مسافرتش به استانبول با عقاید اسلامی و آزادیخواهانه سید جمال الدین اسد آبادی آشنا شد و افکار سید تحویلی در اندیشه آقاخان ایجاد کرد و او دیدگاه‌های انقلابی سید را دنبال کرد در این ایام ناصرالدین شاه به قتل رسید و دولت ایران دولت عثمانی را وادار کرد اطرافیان سید جمال الدین را به ایران تحویل دهند و بدین ترتیب آقا خان کرمانی نیز به اتفاق جمعی دیگر از آزادی خواهان بدار آویخته شد. «؛ ترجمه کتاب جیمز موریه تحت عنوان حاجی بابای اصفهانی» از آثار اوست.

اجرای طرح استعماری حذف حجاب توسط رضا خان در سال 1314 شمسی

در قرن اخیر از جمله اهداف استعمار غرب در ایران، هجوم به ارزشهای دینی و سنتی من جمله مسأله «؛حجاب زن» بوده است.

اقدام رضاخان بر ضد پوشیدگی زنان به تقلید از فرهنگ غرب نشانه عملی این هجوم فرهنگی بوده است.

با بروز جنگ جهانی اول و حدوث انقلاب اکتبر و سقوط تزاریسیم، انگلیسی‌ها در ایران در موقعیت کاملاً برتر قرار گرفتند. استعمارگران

مهاجم انگلستان پس از دومین دهه قرن بیستم و به دنبال بحرانهای پس از جنگ و نیز از بیم گرایش جامعه فقر زده ایران به کمونیسم به اصلاحات روبنایی و مقاومت زدایی و تجددگرایی در جامعه ایران نیاز فراوان داشت و این همه را باید از طریق طبقه ای بی اصالت، میان تهی و بی ریشه تأمین می کرد.

انتخاب رضاخان میرپنچ در کنار سید ضیاء الدین طباطبایی و برکشیدن او به مقام وزارت جنگ و سرانجام انتصاب او به سلطنت در تحقق همین امر انجام گرفت. رضاخان حتی در مقایسه با همدیفهای قزاق خود در خصوص مبانی ارزشهای جامعه اسلامی ایران بی ریشه تر و لاقیدتر بود. با تشکیل سلطنت رضاخان سلطه سیاسی و اقتصادی سرمایه داری انگلستان بر ایران که در طول ادوار قبلی هیچ گاه کامل نشده بود، تکمیل گردید. با این حال همچنان تعلقات فرهنگی و وابستگی جامعه ایران به ارزش های اسلامی - ملی کماکان به قوت خود باقی بود.

بنابراین دولتمردان رژیم جدید همانند تجربه اروپا هجوم به مذهب را از ابتدا از طریق رواج سکولاریسم و لاقیدی و بی اعتنایی و تحقیر نمادهای دینی و سنن ملی آغاز کردند و در ابتدا مطبوعات، کتابها و نظام آموزشی به صورت ابزار اصلی برای اعمال این سیاست درآمدند.

تأسیس مدارس خارجی در آن ایام، بازگشت فرزندان خانواده های اشرافی از فرنگ پس از اتمام تحصیل، نشر برخی مطبوعات متأثر از فرهنگ غربی و نهایتاً فکر تشبه به غرب از جمله عوامل داخلی بود که زمینه را برای اجرای سیاست کشف حجاب فراهم ساخته بود. خواسته استعمار که عامل اصلی چنین سیاستهایی بود، برخی عوامل داخلی و تلاقی این عوامل با خواسته های نفسانی موضوع کشف حجاب را ایجاب می کرد.

رضاخان مدعی بود که وقتی مردم لباس متحدالشکل بپوشند، کلاه پهلوی به سر گذارند و به تقییدات دینی سستی نشان دهند متمدن خواهند شد. در واقع آنان خواستار متمدن شدن جامعه ایران به معنای رشد در پهنه دانش و فن آوری و فرهنگ نبودند بلکه ایجاد فرهنگ مصرفی از طریق تحقیر ارزشهای ملی و مذهبی مدنظر بود.

اگرچه رضاخان فکر تجدد گرایی را از اوایل سلطنت خود در سر می پروراند که از جمله: متحدالشکل کردن البسه در سال 1307 و ماجرای حضور خانواده پهلوی در حرم حضرت معصومه (س) و مخالفت مرحوم شیخ محمد تقی بافقی در سال 1306 و نوع پوشش اعضای خانواده شاه و دیگر اقدامات او موید این واقعیت بود، ولی سفر ترکیه این تلقی را تقویت کرد چرا که رضاخان بعد از مسافرت به ترکیه، در اغلب اوقات ضمن اشاره به پیشرفت سریع کشور ترکیه از برداشتن حجاب زنها و آزادی آنان صحبت می کرد. تا اوایل 1314 شمسی که یکی از روزها هیأت دولت را احضار کرد و گفت: ما باید صورتاً و سنتاً غربی بشویم و در قدم اول کلاهما تبدیل به شاپو بشود و نیز باید شروع به برداشتن حجاب زنها کنیم، اما چون برای عامه مردم دفعتا مشکل است که اقدام کنند، شما وزرا و معاونان باید پیشقدم بشوید و هفته ای یک شب با خانمهای خود در کلوپ ایران جمع شوید و به حکمت وزیر فرهنگ وقت دستور داد که در مدارس زنانه معلمان و دخترها باید بدون حجاب باشند و اگر زن یا دختری امتناع کرد او را به مدارس راه ندهند.

در شرایطی که رضاخان آماده می شد تا با برداشتن حجاب زنان دربار، ملکه و دخترانش، آنان را با قافله تمدن غربی همراه سازد و از حرم خود وسیله ای برای تعمیم فرهنگ تشبه به غرب در جامعه ایران بسازد و استفاده کند، جریان اجبار محصلان به کشف حجاب در تهران و شهرها ادامه یافت. در مقابل اجرای این سیاست بود که سرانجام واقعه خونین مسجد گوهر شاد پدید آمد. رهبری کشتار خونین حرم حضرت رضا (ع) را سرلشکر مطبوعی بر عهده داشت.

با انتشار خبر قیام گوهرشاد، مقدمات اعتراض اجتماعی وسیعی فراهم شده بود، اما فقدان رهبری منسجم و نیز خشونت شدید عوامل شاه سبب شد که نه تنها این اعتراض اجتماعی تبلور پیدا نکند، بلکه رضاخان را مصمم به اجرای خشونت بار کشف حجاب کند.

نتیجه سیاست نابخردانه کشف حجاب، گذشته از متزلزل ساختن ارزشهای خودی و مقدمه سازی برای تسلط بر منحن ترین بخش های فرهنگی غرب، این بود که جامعه مذهبی ایران وقتی خود را در برابر سوادآموزی به قیمت برهنگی نوامیس خود دید، راه تحصیل را بر فرزندان خود بست و به این ترتیب عملاً به فرایند رشد تحصیلی کشور نیز ضربه وارد شد. بلافاصله بعد از سقوط رضا شاه، کسانی که روند زندگی پیشین را پی گرفتند، روی بر تافتند و آنها دریافتند که راه حرکت به سوی تمدن و توسعه، باز شدن راه برای شکوفایی استعدادها و اجتماعی است نه آموختن مصرف گرایی و دنباله روی از مظاهر منحن فرهنگی.

تمدن وقتی معنا و مفهوم پیدا می کند که مردم ما به راه اکتشافات و اختراعات و رهروی فرزنانگان و دانشمندان مغرب زمین می رفتند، نه اینکه رهرو راه هنرپیشگان گردند.

اکنون پس از گذشت 26 سال از انقلاب اسلامی، حجاب به صورت یک رمز، سمبل و شعار در تمامی جهان اسلام و نیز میان مسلمانانی

که به صورت اقلیت در کشورهای غیر اسلامی زندگی می‌کنند درآمده است. حجاب تنها به عنوان یک امر شرعی مورد توجه نیست، بلکه به عنوان یک نشان و یک علامت از بازگشت به سنت‌های اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

درگذشت مشکوک جهان پهلوان تختی در سال 1346 هجری شمسی

جهان پهلوان تختی قهرمان ورزش کشتی ایران به طرزی مشکوک درگذشت. تختی در خانواده‌ای تهیدست در تهران متولد شد. او دریایی ازپاکی و صداقت بود. دلاوری بی‌پاک که قلبی رئوف و ملامال ازعشق مردم درسینه ستبرخود داشت. همه این ویژگیها او را به پهلوان شکست ناپذیر و محبوب دلها مبدل کرده بود. تختی درزندگی‌اش بیش ازقهرمانی به پهلوانی و خلق و خوی انسانی اهمیت می‌داد. تختی در دوران قهرمانی خود با کسب 9مدال طلا و نقره جهانی و بازیهای المپیک ورزشکارایرانی است که بیشترین طلاهای عرصه‌های بین المللی را برای ایران به ارمغان آورده است اما هرگز فروتنی و تواضع خود را ازدست نداد و همواره ساده زندگی کرد. جهان پهلوان تختی با فتح حماسی خود در بازیهای المپیک ملبورن در سال 1956 میلادی مدال طلا برگردن آویخت و با فرستادن نماینده‌های شوروی سابق و آمریکا به رده‌های دوم و سوم اعتباربیشتری برای کشتی ایران فراهم کرد. تختی پهلوان ایران که درمقابل ظلم سرفرود نیاورد سرانجام با دسیسه‌های عمال رژیم پهلوی به قتل رسید و مرگ او ریاکارانه خودکشی قلمداد شد اما مردم خودکشی تختی را باور نکردند.

درگذشت جوزف پریستلی شیمیدان انگلیسی در سال 1804 میلادی

جوزف پریستلی شیمیدان انگلیسی در سال 1804 میلادی درگذشت. پریستلی کاشف گازاکسیژن بود و نامش در تاریخ علم به سبب این کشف مهم ثبت شده است. پریستلی کشیشی بود که به تحقیقات علمی علاقه بسیار داشت و عاقبت بر اثر همین تحقیقات در سال 1733 میلادی گازاکسیژن را کشف کرد. گفتنی است که اهمیت این کشف بعدها برجانیان آشکار شد.

شهادت سلیمان خاطر از افراد پلیس مرزی مصر در زندان رژیم صهیونیستی در سال 1986 میلادی

سلیمان خاطر از افراد پلیس مرزی مصر در سال 1986 میلادی در صحرای سینا بدست عوامل رژیم صهیونیستی در زندان به شهادت رسید. سلیمان خاطر در اکتبر 1985 در پاسخ به اهانتی که به ملت و کشور او فلسطین شده بود برضد قرارداد کمپ دیوید، و صلح دولت مصر رژیم صهیونیستی شورش کرد و هفت تن از صهیونیست‌ها را در صحرای سینا به هلاکت رساند. رژیم صهیونیستی پس از دستگیری سلیمان خاطر در محاکمه‌ای فرمایشی، او را به حبس ابد محکوم کرد اما بعد از مدتی جسدش را در حالیکه مدار آویخته شده بود در درمانگاه زندان یافتند. دولت مصر اعلام کرد که سلیمان خاطر خودکشی کرده است اما بعد از اعلام این خبر دانشجویان مبارز مصری در قاهره و چند شهردیگر مصر راهپیمایی‌های گسترده‌ای برپا کردند. آنان در این راهپیمایی اعلام کردند که سلیمان خاطر به شهادت رسیده است و خشم خود را به دولت مصر رژیم اشغالگر قدس ابراز کردند.